

## اظهار نظر حسابرس و مدیریت سود با تأکید بر ابهام در تداوم فعالیت

محمد مرادی<sup>۱</sup>، محمد اصولیان<sup>۲</sup>، محمد نوروزی<sup>۳</sup>

**چکیده:** پژوهش پیش رو ارتباط بین مدیریت سود و اظهار نظر مشروط حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت را بررسی می کند. در این راستا، اظهار نظر مشروط حسابرس به دو دسته تقسیم شده است: ۱. مشروط به دلیل ابهام در تداوم فعالیت شرکت صاحبکار و ۲. مشروط به دلیل سایر موارد. در این پژوهش، مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری با استفاده از سه مدل جونز، جونز تعدیل شده و کوتاری و همکاران اندازه گیری می شود. برای بررسی رابطه مذکور از مدل رگرسیون لجستیک استفاده شده است. نمونه پژوهش، شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ است. یافته های پژوهش بیانگر آن است که بین مدیریت سود و اظهار نظر مشروط حسابرس به دلیل ابهام در تداوم فعالیت شرکت، ارتباط مستقیمی وجود دارد. این در حالی است که بین مدیریت سود و اظهار نظر مشروط حسابرس به دلایلی جز ابهام در تداوم فعالیت، ارتباط معناداری مشاهده نشده است. این یافته ها حاکی از آن است که ابهام در مورد تداوم فعالیت شرکت صاحبکار، ریسک ذاتی حسابرسی را فزونی می بخشد و احتمال صدور گزارش مشروط را در صورت وجود مدیریت سود، افزایش می دهد.

**واژه های کلیدی:** اظهار نظر حسابرس، اقلام تعهدی اختیاری، تداوم فعالیت، مدیریت سود.

۱. استادیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. استادیار گروه مدیریت مالی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۳/۱۰

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۰۶/۱۷

نویسنده مسئول مقاله: محمد مرادی

E-mail: Moradimt@ut.ac.ir

### مقدمه

جدایی مالکیت از مدیریت، تضادهای نمایندگی ایجاد کرده و ممکن است مدیر را به سمت فرصت طلبی و نفع شخصی سوق دهد. یکی از راههای رسیدن به برخی منافع شخصی، مدیریت سود است. مدیریت سود به مداخله عمومی مدیریت در فرایند تعیین سود اطلاق می شود که اغلب در راستای اهداف دلخواه مدیریت است (وایلند، برنستین و سابرامانیا، ۲۰۰۱). با توجه به نقش حسابرسی در اعتباردهی صورت های مالی، از حسابرس انتظار می رود رویه های حسابداری سؤال برانگیز و تحریفات با اهمیت صورت گرفته برای مدیریت سود را کشف کند و گزارش دهد. به هر حال، وقوع رسوایی های مالی در دهه های اخیر این سؤال تجربی را مطرح کرد که آیا حسابرسان توانایی کشف و گزارش مدیریت سود را دارند؟ (تسیپوریدو و اسپاتیس، ۲۰۱۴).

این مطالعه به منظور ارزیابی توانایی حسابرسان در کشف و گزارش مدیریت سود، به بررسی تأثیر اقلام تعهدی اختیاری (به منزله سنجه مدیریت سود) بر صدور گزارش مشروط حسابرس می پردازد. با توجه به نتایج مطالعات پیشین که نتایج متناقضی را بر جای گذاشته اند، در این پژوهش اظهار نظر مشروط حسابرس به دو دسته تقسیم شده است: ۱. اظهار نظر مشروط به دلیل وجود ابهام با اهمیت در مورد تداوم فعالیت شرکت و ۲. اظهار نظر مشروط به دلیل موارد دیگر. سپس ارتباط این دو دسته اظهار نظر با مدیریت سود به بونه آزمون گذاشته می شود. شایان ذکر است، تا کنون چنین تفکیکی در مطالعات صورت پذیرفته در ایران (مانند بنی مهد، حساس یگانه و یزدانیان، ۱۳۹۳ و حساس یگانه، بولو و فرخی نژاد، ۱۳۸۹) انجام نشده است.

با توجه به نتایج متفاوت مطالعات پیشین، دو دیدگاه متضاد شکل گرفته است. بر اساس دیدگاه اول، شرکت هایی که در معرض بحران قرار دارند و تداوم فعالیت آنها با ابهام روبه روست، ممکن است برای پنهان کردن وضعیت خود به مدیریت سود اقدام کنند. در این وضعیت، حسابرس برای کاهش ریسک دعاوی حقوقی و ریسک از دست دادن شهرت، رویکردی محافظه کارانه درپیش می گیرد. دسته اول به محافظه کاری بیشتر حسابرس در زمان وجود ابهام با اهمیت در تداوم فعالیت شرکت معتقدند و بیان می کنند احتمال صدور گزارش مشروط در این گونه موارد با اقلام تعهدی اختیاری، رابطه مستقیمی دارد. در این دیدگاه، دلیل اصلی صدور گزارش مشروط را ابهام در تداوم فعالیت، نه مدیریت سود (نبود ارتباط بین اظهار نظر مشروط و مدیریت سود) می دانند. به بیان دیگر، بر اساس این دیدگاه، برخی شرایط مانند ابهام در تداوم فعالیت شرکت به دلیل بالابردن ریسک حسابرس، حساسیت و محافظه کاری حسابرس را افزایش می دهد و در این گونه موارد، احتمال صدور گزارش مشروط بیش از مواقعی است که تنها مدیریت سود

صورت گرفته و چنین وضعیت حساسی (ابهام در تداوم فعالیت) وجود ندارد (کارسون و همکاران ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳).

بر اساس دیدگاه دوم، مدیریت سود علت صدور گزارش مشروط (به هر دلیلی اعم از ابهام در تداوم فعالیت یا دلایل دیگر) است. بر این اساس با افزایش ارقام تعهدی اختیاری که ناشی از دستکاری در ارقام درآمد - هزینه‌ای قلمداد می‌شود، احتمال صدور گزارش مشروط نیز افزایش می‌یابد و این موضوع لزوماً ارتباطی با تداوم فعالیت شرکت ندارد (تسپوریدو و اسپاتیس، ۲۰۱۴). ساختار این نوشتار در ادامه بدین شرح است. در بخش بعدی پیشینه تحقیق مطالعه می‌شود. سپس روش پژوهش معرفی شده و در ادامه، یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌ها بیان می‌شود، در پایان نیز به بخش نتیجه‌گیری پرداخته خواهد شد.

### پیشینه پژوهش

#### پیشینه نظری پژوهش

مدیریت سود رویکردی است که مدیران برای دستکاری داده‌ها به کار می‌برند (وایلد و همکاران، ۲۰۰۱). امروزه مدیریت سود یکی از موضوعات بحث‌انگیز و جذاب در پژوهش‌های حسابداری به‌شمار می‌رود. به دلیل توجه خاص سرمایه‌گذاران به رقم سود که عامل مهمی در تصمیم‌گیری است، این نوع پژوهش‌ها از جنبه رفتاری اهمیت خاص خود را دارند. یک عامل بنیادی در آزمون مدیریت سود شرکت‌ها، تخمین عامل اختیار و اعمال نظر مدیران در تعیین سود است. یکی از مهم‌ترین رویکردها در اندازه‌گیری اختیار مدیر، کاربرد ارقام تعهدی اختیاری در تعیین و کشف مدیریت سود است (دجو، هاتون، کیم و اسلوان، ۲۰۱۱).

به دو دلیل انتظار می‌رود بین ارقام تعهدی اختیاری و ریسک ذاتی حسابرسان، رابطه مستقیم وجود داشته باشد. نخست؛ با فرض فرصت‌طلبی مدیریت، ارقام تعهدی ابزاری است در دست مدیریت برای دستکاری سود گزارش شده و مدیران ارقام تعهدی را به نفع خودشان دستکاری می‌کنند و دوم؛ ارقام تعهدی چالشی برای حسابرسان محسوب می‌شود که با حساب‌های پرریسک، مانند حساب‌های دریافتی و موجودی‌ها، مرتبط است. محافظه‌کاری و احتیاط سازوکاری است که از طریق آن، حسابرسان می‌توانند به سطح مطلوب ریسک حسابرسان برای صاحبکاران با ارقام تعهدی بالا دست یابند. به بیان دیگر، حسابرسان می‌توانند عدم اطمینان ذاتی را که در شرایط با ارقام تعهدی بالا وجود دارد، از طریق پایین آوردن آستانه صدور گزارش‌های تعدیل شده، جبران کنند (فردیناند، تسی و چن، ۱۹۹۸). یکی از راه‌های سنجش محافظه‌کاری حسابرسان، میزان ترس آنها از مدیریت سود صاحبکار و آستانه صدور گزارش

مشروط (شامل گزارش مشروط به دلیل ابهام در تداوم فعالیت شرکت صاحبکار) است. در تلاش برای سنجش میزان محافظه کاری حسابرسان، مطالعه ارتباط اظهار نظر مشروط حسابرس و مدیریت سود، در موقعیت‌هایی که تمایل به مدیریت سود بالاتر وجود دارد، حائز اهمیت است. یکی از این موقعیت‌ها هنگامی است که نسبت به تداوم فعالیت شرکت اطمینان وجود ندارد (تسیپوریدو و اسپاتیس، ۲۰۱۴).

در استاندارد حسابرسی ایران، بخش ۵۷۰ با عنوان «تداوم فعالیت» در ارتباط با نحوه برخورد حسابرسان با مسئله ابهام در تداوم فعالیت شرکت صاحبکار چنین آمده است:

«حسابرس در جریان برنامه‌ریزی و اجرای روش‌های حسابرسی و ارزیابی نتایج حاصل از آن، باید مناسب بودن استفاده مدیریت را از فرض تداوم فعالیت در تهیه صورت‌های مالی، بررسی کند. چنانچه به نظر حسابرس واحد مورد رسیدگی قادر به ادامه فعالیت نباشد، اما صورت‌های مالی بر مبنای تداوم فعالیت تهیه شده باشد، حسابرس باید با توجه به میزان اهمیت، حسب مورد، نظر مشروط یا مردود ارائه کند. در صورت وجود ابهام با اهمیت درباره تداوم فعالیت و افشای کافی در صورت‌های مالی، حسابرس باید نظر مقبول اظهار کند، اما با افزودن یک بند توضیحی حاوی وجود ابهام با اهمیت درباره رویدادها یا شرایطی که ممکن است به تردیدی عمده در مورد توانایی واحد مورد رسیدگی به ادامه فعالیت بینجامد و با اشاره به یادداشت توضیحی صورت‌های مالی، گزارش خود را تعدیل کند. در صورت وجود ابهام با اهمیت و عدم افشای کافی در صورت‌های مالی، حسابرس باید نظر مشروط ارائه کند. گزارش باید به روشنی بیانگر این واقعیت باشد که ابهامی با اهمیت وجود دارد که ممکن است درباره توانایی واحد مورد رسیدگی به ادامه فعالیت، تردیدی عمده ایجاد کند. در موارد وجود ابهام اساسی درباره تداوم فعالیت یا وجود موارد متعدد ابهام با اهمیت، شامل ابهام درباره تداوم فعالیت که آثار بالقوه آن در مجموع اساسی باشد، حسابرس باید صرف نظر از افشا یا عدم افشای آنها در صورت‌های مالی، نسبت به آن صورت‌ها عدم اظهار نظر ارائه کند.»

### پیشینه تجربی

این مطالعه به بررسی واکنش حسابرسان به مدیریت سود در دو شرایط متفاوت می‌پردازد: اظهار نظر حسابرسان به مدیریت سود در شرایط ابهام در تداوم فعالیت شرکت و در شرایط وجود نداشتن ابهام با اهمیت پیرامون تداوم فعالیت شرکت. در ادامه به بررسی پیشینه مطالعات صورت گرفته در ارتباط با اظهار نظر حسابرس و مدیریت سود پرداخته شده است.

بارتو، گول و تیسوی (۲۰۰۱) با بررسی توانایی مدل‌های مختلف اقلام تعهدی در کشف مدیریت سود، دریافتند که ارتباط مستقیم معناداری بین قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری و

احتمال صدور اظهار نظر مشروط وجود دارد. اگرچه این ارتباط فقط با استفاده از مدل‌های جونز (۱۹۹۱) و جونز تعدیل‌شده (دچو، اسلوان و سویینی، ۱۹۹۵) که به شکل مقطعی برآزش شده‌اند، معنادار بوده است. در مقابل، بردشو، ریچاردسون و اسلوان (۲۰۰۱) به شواهدی دست نیافتند که نشان دهد تعداد اظهار نظرهای مشروط حسابرِس در شرکت‌های با اقلام تعهدی بالا، بیشتر است. بر این اساس آنها نتیجه گرفتند، حسابرسان اطلاعات پیرامون اقلام تعهدی متورم‌شده را که احتمالاً تداعی‌گر کاهش سودهای آتی و نقض اصول حسابداری است، از طریق اظهار نظر خود به سرمایه‌گذاران منتقل نمی‌کنند. باتلر، لئون و ویلنبرگ (۲۰۰۴) از این دیدگاه حمایت کرده و معتقدند حسابرسان به دلیل مدیریت سود، با احتمال کمتری اظهار نظر مشروط صادر می‌کنند. تسیپوریدو و اسپاتیس (۲۰۱۴) نشان دادند که اظهار نظر حسابرِس ارتباط معناداری با مدیریت سود ندارد. همچنین مشخصه‌های مالی شرکت صاحبکار، مانند سودآوری و اندازه شرکت، در تصمیم حسابرِس پیرامون تعدیل گزارش خود در ارتباط با ابهام در تداوم فعالیت مؤثرتر از مدیریت سود است. به بیان دیگر، مدیریت سود نقشی در این ارتباط ندارد.

پژوهش بنی‌مهد و همکارانش (۱۳۹۳) نشان می‌دهد مدیریت سود، اندازه شرکت، سودآوری، نسبت بدهی، حق‌الزحمه حسابرِس و مالکیت دولتی با تعداد بندهای حسابرِس قبل از بند اظهار نظر، رابطه معناداری دارند. همچنین یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که پیچیدگی شرکت، تغییر حسابرِس و تغییر مدیریت، با تعداد بندهای حسابرِس قبل از بند اظهار نظر رابطه‌ای معناداری ندارند. شواهد پژوهش آنها بر این نکته تأکید دارد که رابطه مستقیم میان مدیریت سود و تعداد بندهای حسابرِس، می‌تواند ناشی از افزایش کیفیت حسابرِس در بخش خصوصی باشد. یافته‌های پژوهش جامعی، هلشی و حاجی عیدی (۱۳۹۱) نشان داد که بهبود عملکرد مدیریت سبب کاهش صدور گزارش مشروط می‌شود، در نتیجه معیارهای حسابداری عملکرد مدیریت اظهار نظر حسابرِس مستقل را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

حساس‌یگانه و همکارانش (۱۳۸۹) دریافتند که بین اقلام تعهدی اختیاری و صدور گزارش مشروط توسط حسابرِس، ارتباط معناداری وجود دارد. فرانسیس و کریشنان (۱۹۹۹) با نمونه بزرگی از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس آمریکا، پس از کنترل ریسک بازار و متغیرهای مالی خاص شرکت، دریافتند که حسابرسان شرکت‌های با اقلام تعهدی بالا، به احتمال بیشتری اظهار نظر مشروط به دلیل عدم اطمینان در مورد تداوم فعالیت صادر می‌کنند. این ارتباط برای شرکت‌های با اقلام تعهدی منفی، قوی‌تر است.

بردشو و همکارانش (۲۰۰۱) طی پژوهشی روی ۷۰۰۰ اظهار نظر مشروط حسابرسان شرکت‌های آمریکایی، ارتباط بین اقلام تعهدی اختیاری و نوع اظهار نظر حسابرِس را بررسی

کردند. در این پژوهش ارتباط معکوسی بین اظهار نظرهای مشروط و ارقام تعهدی یافت شد. آنها ارتباط معکوس مشاهده شده را به این موضوع نسبت دادند که شرکت‌های با ارقام تعهدی منفی بالا، به احتمال بیشتری اظهار نظرهای مشروط به دلیل تداوم فعالیت دریافت می‌کنند که این امر به دلیل وضعیت بحرانی آنهاست و به دلیل مدیریت سود نیست. آنها به شواهدی مبنی بر استفاده حسابرسان از اظهار نظر حسابرسی برای آگاه کردن استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی در مورد مدیریت سود فزاینده یا پیامدهای ارقام تعهدی بالا، دست نیافتند. هربون و راگوناتان (۲۰۰۸) و کارسون و همکاران (۲۰۱۲) با پژوهشی در استرالیا دریافتند که بین اظهار نظر مشروط به دلیل ابهام در تداوم فعالیت (به دلیل ریسک بحران مالی و اقامه دعای حقوقی) و ارقام تعهدی، ارتباط معکوسی وجود دارد. نتایج آنها نشان می‌دهد مدیریت سود علت اظهار نظر مشروط حسابرس نیست. آرنندو، لیزاراگا و سانچز (۲۰۰۸) نیز این ارتباط را در نمونه‌ای از شرکت‌های رو به ورشکستگی اسپانیایی آزمون کردند. آنها اظهار نظر مشروط حسابرسان را به دو دسته تقسیم کردند: مشروط به دلیل موضوعات مرتبط با تداوم فعالیت و مشروط به دلایل دیگر. آنها نیز بین دو متغیر مذکور در حالتی که ابهام با اهمیتی در تداوم فعالیت شرکت وجود دارد، ارتباط معکوسی یافتند. با وجود این، ارتباط مستقیم هنگامی یافت شد که اظهار نظر حسابرس به دلایلی به جز ابهام در تداوم فعالیت مشروط شده است. مورامیا و تاکادا (۲۰۱۰) با پژوهشی در ژاپن دریافتند که بین صدور اظهار نظر مشروط حسابرس به دلیل ابهام در تداوم فعالیت شرکت و ارقام تعهدی اختیاری شرکت، رابطه معکوس معناداری وجود دارد.

با توجه به مباحث فوق، مطالعات تجربی پیشین به نتایج متفاوتی پیرامون ارتباط اظهار نظر حسابرس و ارقام تعهدی دست یافتند. در واقع مطابق با گفته لام و منسا (۲۰۰۶) این یک سؤال تجربی است که آیا حسابرسان تلاش می‌کنند تا از طریق اظهار نظرهای خود اطلاعات بیشتری را به عموم منتقل کنند؟ در تلاش برای پاسخ به این سؤال، در پژوهش پیش رو اظهار نظرهای حسابرسان به دو دسته تقسیم شده است: مشروط به دلیل عدم اطمینان از تداوم فعالیت و مشروط به دلایل دیگر. بدین ترتیب فرضیه‌های این پژوهش به شرح زیر تدوین شده است:

فرضیه اول: بین اظهار نظر مشروط حسابرس به دلیل ابهام در تداوم فعالیت و ارقام تعهدی اختیاری، ارتباط معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین اظهار نظر مشروط حسابرس به دلایلی به جز ابهام در تداوم فعالیت و ارقام تعهدی اختیاری، ارتباط معناداری وجود دارد.

## روش‌شناسی پژوهش

### مدل اصلی پژوهش

با توجه به اینکه متغیرهای وابسته پژوهش، متغیرهای کیفی هستند و از طریق متغیر مجازی به صورت صفر و یک اندازه‌گیری می‌شوند، فرضیه‌های پژوهش با استفاده از رگرسیون لجستیک آزمون می‌شوند. مدل اصلی پژوهش که یک مدل رگرسیون لجستیک است و برای آزمون هر دو فرضیه از آن استفاده خواهد شد به شرح زیر است:

$$AO_{it} = \beta_0 + \beta_1 + \beta_1 DA_{it} + \beta_2 INVREC_{it} + \beta_3 TLE_{it} + \varepsilon_{it} \quad (\text{مدل ۱})$$

که در این مدل:

*AO*: نوع اظهار نظر حسابرِس؛ در آزمون فرضیه اول اگر به دلیل ابهام در تداوم فعالیت گزارش حسابرِس مشروط شده باشد ۱ و در غیر این صورت صفر خواهد بود. به گونه‌ای مشابه در آزمون فرضیه دوم نیز اگر گزارش حسابرِس به دلایل دیگری به جز ابهام در تداوم فعالیت مشروط باشد ۱ و در غیر این صورت صفر خواهد بود.

*DA*: اقلام تعهدی اختیاری برآورده شده با استفاده از مدل‌های مدل جونز، جونز تعدیل شده و مدل کوتاری. در ادامه همین بخش سه مدل مذکور تشریح می‌شوند.

*INVREC*: موجودی کالا و حساب‌های دریافتنی تقسیم بر کل دارایی‌ها.

*TLE*: بدهی تقسیم بر سرمایه.

مشابه با پژوهش‌های پیشین، علاوه بر اقلام تعهدی اختیاری، متغیرهای دیگری بر اظهار نظر مشروط حسابرِس اثر گذارند. برای نمونه تسهیپوریدو و اسپاتیس (۲۰۱۴) ارتباط مستقیمی را بین نسبت بدهی به سرمایه و مجموع موجودی کالا و مطالبات با اظهار نظر مشروط حسابرِس یافتند. با توجه به اینکه در این پژوهش برای آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون لجستیک استفاده شده است، برای آزمون معناداری هر یک از ضرایب جزئی رگرسیون، آماره والد<sup>۱</sup> و برای کل مدل رگرسیون آماره کای دو<sup>۲</sup> به کار گرفته شده است. همچنین با توجه به اینکه در ادبیات موضوع در ارتباط با رابطه بین مدیریت سود و اظهار نظر حسابرِس مناقشه وجود دارد، معناداری ضرایب جزئی رگرسیون به شکل دو دنباله آزمون شده است.

1. Wald

2. Chi-Square

### مدل های اندازه گیری اقلام تعهدی اختیاری

حوزه مهمی از پژوهش با استفاده از مدل سازی فرایند اقلام تعهدی، بین اقلام تعهدی اختیاری و اقلام تعهدی غیر اختیاری تمایز قائل است. اقلام تعهدی غیر اختیاری تعدیلاتی را دربرگیرد که عملکرد را منعکس می کند؛ در حالیکه اقلام تعهدی اختیاری به وسیله کاربرد قواعد حسابداری یا مدیریت سود (یعنی به دلیل سیستم اندازه گیری نامناسب) انحرافها را دربرمی گیرد. تفسیر کلی این است که اگر عنصر غیر اختیاری اقلام تعهدی به طور درست و دقیق مدل سازی شود، عنصر اختیاری بیانگر انحرافی است که کیفیت پایین تری دارد (دچو و همکاران، ۲۰۱۱). در این پژوهش برای برآورد اقلام تعهدی اختیاری (به منزله سنجه مدیریت سود) از مدل های زیر استفاده شده است.

#### مدل جونز (۱۹۹۱)

این مدل در گام اول، ارتباط مجموع اقلام تعهدی را برای یک دوره زمانی مشخص که به دوره برآورد معروف است، با متغیرهای درآمد و اموال، ماشین آلات و تجهیزات، به شرح زیر برآورد می کند:

$$ACC_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \Delta REV_{it} + \alpha_2 PPE_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل ۲}$$

$ACC$ : کل اقلام تعهدی؛

$\Delta REV$ : تغییر در درآمد؛

$PPE$ : اموال، ماشین آلات و تجهیزات (ناخالص)؛

$\varepsilon$ : جزء باقی مانده.

گفتنی است، کلیه متغیرها با استفاده از مجموع دارایی ها همگن شده اند.

در گام دوم که به آن دوره رویداد گفته می شود، مدل جونز در مورد هریک از سال - شرکت های نمونه تحقیق، با استفاده از ضرایبی که در گام اول برای هر شرکت تخمین زده شده است، میزان اقلام تعهدی اختیاری را برآورد می کند (مدل ۳).

$$DA_{it} = ACC_{it} - (\alpha_0 + \alpha_1 \Delta REV_{it} + \alpha_2 PPE_{it}) \quad \text{مدل ۳}$$

که در این مدل  $DA$ : اقلام تعهدی اختیاری است، سایر متغیرها نیز همانند تعریف پیش است.



### مدل جونز تعدیل شده

دچو و همکاران (۱۹۹۵) شکل اصلاح شده‌ای از مدل جونز ارائه کردند و آن را مدل جونز تعدیل شده نامیدند. آنها نشان دادند مدل جونز (۱۹۹۵) در مواردی که درآمد از طریق تحریف‌های حساب‌های دریافتی دستکاری می‌شود، قدرت پایینی دارد. علت این موضوع وارد کردن مجموع تغییرات درآمد (شامل درآمد نسبه) به منزله یک کنترل برای اقلام تعهدی عادی در مدل جونز است. برای رفع این مشکل آنها پیشنهاد می‌دهند درآمد نسبه از مجموع تغییرات درآمد در دوره رویداد کسر شود (مدل ۴).

$$ACC_{it} = \alpha_0 + \alpha_1(\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}) + \alpha_2 PPE_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{(مدل ۴)}$$

که در این مدل  $\Delta REC$ : تغییر در خالص حساب‌های دریافتی است و سایر متغیرها مانند آن چیزی است که پیش از این تعریف شد.

### مدل کوتاری و همکاران

کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) در ارتباط با تأثیر عملکرد شرکت بر رفتار اقلام تعهدی، تحقیق کردند. بر اساس پیشینه تحقیق، آنها دریافتند زمانی که عملکرد شرکت بسیار خوب یا بسیار بد است، مدل‌های اقلام تعهدی دچار نوعی ناکارایی هستند. بدین ترتیب آنها تلاش کردند متغیر عملکرد را کنترل کنند (مدل ۵).

$$ACC_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \Delta REV_{it} + \alpha_2 PPE_{it} + \alpha_3 ROA_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{(مدل ۵)}$$

$ROA$ : بازده دارایی‌هاست و سایر متغیرها مانند تعریف‌های پیش است.

### جامعه، نمونه و دوره زمانی پژوهش

شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران، جامعه آماری این پژوهش را شکل می‌دهند. از میان این شرکت‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بانک‌ها به سبب ماهیت خاص فعالیت، حذف شده‌اند. در این پژوهش شرکت‌هایی مدنظر قرار خواهند گرفت که از شروط زیر برخوردار باشند:

۱. از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ در بورس حضور داشته باشند؛
۲. سال مالی آنها به پایان اسفند ختم شود و شرکت بین سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ تغییر سال مالی نداشته باشد؛
۳. اطلاعات لازم شرکت در دسترس باشد.

بر این اساس ۸۶ شرکت برای نمونه تحقیق انتخاب شدند. دوره مطالعه بر اساس صورت‌های مالی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ است. البته با توجه به این موضوع که برای آزمون برخی مدل‌های تحقیق نیاز به محاسبه تغییرات سال (t) نسبت به سال (t-۱) است، در عمل دوره پژوهش به شش سال محدود می‌شود

## یافته‌های پژوهش

### آمار توصیفی

جدول ۱ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر - شاخص	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
$\Delta REV$	۰/۰۰	۴/۷۷	۱/۰۲	۰/۶۵
$\Delta REC$	-۰/۵۶	۰/۹۳	۰/۰۳	۰/۱۳
PPE	۰/۰۰	۰/۸۳	۰/۲۳	۰/۱۷
INVREC	۰/۰۰	۰/۹۴	۰/۴۴	۰/۲۲
ROA	-۰/۴۹	۰/۶۳	۰/۱۰	۰/۱۵
TLE	-۵۷۳	۵۷	۰/۵۲	۲۸

جدول ۱ نشان می‌دهد بازده دارایی‌های شرکت‌های نمونه به‌طور میانگین ۱۰ درصد است. نسبت بدهی به سرمایه به‌طور متوسط ۵۲ درصد است. مجموع موجودی کالا و مطالبات شرکت‌های نمونه ۴۴ درصد از کل دارایی‌های آنها را تشکیل می‌دهد و اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات ناخالص نیز ۲۳ درصد کل دارایی‌ها است. نکته شایان ذکر در مورد آمار توصیفی، انحراف معیار نسبتاً زیاد متغیرهای پژوهش، به‌خصوص نسبت بدهی به سرمایه است.

### آزمون فرضیه‌ها

جدول ۲ نتایج حاصل از مدل ۱ پژوهش را در حالتی نشان می‌دهد که اقلام تعهدی اختیاری (متغیر مستقل) به‌ترتیب با مدل جونز، مدل جونز تعدیل‌شده و مدل کوتاری برآورد شده است و متغیر وابسته نیز اظهار نظر مشروط حسابرسی به‌دلیل ابهام در تداوم فعالیت شرکت را می‌سنجد. به بیان دیگر، جدول ۲ نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش را نشان می‌دهند.

جدول ۲. نتایج آزمون فرضیه اول

متغیر	ضریب متغیر	آماره والد	معناداری
مقدار ثابت	-۲/۴۱	۴۳/۰۰	۰/۰۰۰
DA (مدل جونز)	۴/۳۰	۹/۰۰	۰/۰۰۳*
INVREC	-۰/۶۴	۰/۸۹	۰/۳۶۴
TLE	-۰/۰۰	۰/۱۷	۰/۶۸۰
chi-square=۹/۶۰**			R <sup>۲</sup> =۰/۰۴

  

متغیر	ضریب متغیر	آماره والد	معناداری
مقدار ثابت	-۲/۴۵	۴۳/۴۳	۰/۰۰۰
DA (مدل جونز تعدیل شده)	۴/۴۰	۹/۶۴	۰/۰۰۳**
INVREC	-۰/۶۰	۰/۷۹	۰/۳۷۵
TLE	-۰/۰۰	۰/۱۹	۰/۶۸۲
chi-square=۱۰/۲۱**			R <sup>۲</sup> =۰/۰۴

  

متغیر	ضریب متغیر	آماره والد	معناداری
مقدار ثابت	-۲/۲۸	۴۰/۵۳	۰/۰۰۰
DA (مدل کوتاری)	۳/۲۹	۶/۰۵	۰/۰۱۴*
INVREC	-۰/۶۷	۰/۹۶	۰/۳۲۶
TLE	-۰/۰۰	۰/۱۹	۰/۶۶۱
chi-square =۶/۸۶**			R <sup>۲</sup> =۰/۰۳

\*معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد

\*\*معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد

جدول ۲ نشان می‌دهد، چنانچه اقلام تعهدی اختیاری با مدل جونز برآورد شود، در سطح اطمینان ۹۹ درصد، ارتباط مستقیمی بین مدیریت سود و اظهار نظر مشروط حسابرِس به دلیل ابهام در تداوم فعالیت وجود دارد. اگر اقلام تعهدی اختیاری با مدل جونز تعدیل شده برآورد شود نیز، ارتباط مستقیم معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد بین متغیرهای پژوهش برقرار است. چنانچه اقلام تعهدی اختیاری با مدل کوتاری و همکاران برآورد شود، این ارتباط مستقیم در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار خواهد بود. این نتایج بیانگر آن است که بین اظهار نظر مشروط حسابرِس به دلیل عدم اطمینان با اهمیت در تداوم فعالیت صاحبکار و میزان اقلام تعهدی اختیاری آن، ارتباط مستقیم معنادار وجود دارد. به بیان دیگر، هرچه مقدار مطلق (قدر مطلق) اقلام تعهدی اختیاری صاحبکار بیشتر باشد، با احتمال بیشتری گزارش حسابرِس به دلیل ابهام در تداوم فعالیت به شکل مشروط صادر می‌شود و هرچه میزان اقلام تعهدی اختیاری کمتر باشد، احتمال دریافت اظهار نظر مشروط حسابرِس به دلیل ابهام در تداوم فعالیت شرکت کمتر خواهد شد. بدین ترتیب فرضیه اول پژوهش به تأیید می‌رسد. این یافته‌ها نشان می‌دهند که حسابرِس

به اقلام تعهدی اختیاری حساس است و در مواردی که ابهام با اهمیتی در ارتباط با تداوم فعالیت شرکت وجود دارد، احتمال صدور اظهار نظر مشروط بیشتر می شود. مطابق با جدول ۲، متغیرهای کنترلی (نسبت مجموع مطالبات و موجودی ها به دارایی های و نسبت بدهی به سرمایه) ارتباط معناداری با اظهار نظر مشروط حسابرسی، به دلیل تردید در تداوم فعالیت شرکت ندارند. جدول ۳ نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش را نشان می دهد. به بیان دیگر نتایج حاصل از برازش مدل ۱ پژوهش را در حالتی بررسی می کند که رابطه بین اقلام تعهدی اختیاری و اظهار نظر مشروط حسابرس، به دلایلی جز ابهام در تداوم فعالیت شرکت است. فرضیه دوم نیز مانند فرضیه اول، اقلام تعهدی اختیاری به ترتیب با مدل جونز، مدل جونز تعدیل شده و مدل کوتاری برآورد شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیر	ضریب متغیر	آماره والد	معناداری
مقدار ثابت	-۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۹۱۰
DA (مدل جونز)	-۲/۳۰	۴/۴۶	۰/۰۳۵
INVREC	-۰/۱۹	۰/۲۰	۰/۶۵۴
TLE	-۰/۰۴	۵/۵۳	۰/۰۱۹*
	chi-square=۱۵/۱۳**		R <sup>۲</sup> =۰/۰۳
متغیر	ضریب متغیر	آماره والد	معناداری
مقدار ثابت	-۰/۱۰	۰/۲۰	۰/۶۵۴
DA (مدل جونز تعدیل شده)	-۱/۴۸	۱/۹۷	۰/۱۶۱
INVREC	-۰/۱۸	۰/۱۹	۰/۶۶۱
TLE	۰/۰۵	۵/۷۹	۰/۰۱۶*
	chi-square=۱۲/۵۱**		R <sup>۲</sup> =۰/۰۳
متغیر	ضریب متغیر	آماره والد	معناداری
مقدار ثابت	-۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۹۱۱
DA (مدل کوتاری)	-۲/۳۸	۵/۰۸	۰/۰۲۶
INVREC	-۰/۱۸	۰/۲۰	۰/۶۵۶
TLE	-۰/۰۵	۵/۷۶	۰/۰۱۶*
	chi-square = ۶/۸۶**		R <sup>۲</sup> =۰/۰۳

\*\*معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد

\* معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد

بر اساس جدول ۳، در سطح اطمینان ۹۵ درصد بین اقلام تعهدی اختیاری (به‌منزله سنجۀ مدیریت سود) و اظهار نظر مشروط حسابرس به‌دلایلی بجز ابهام در تداوم فعالیت (سایر دلایل) ارتباط معناداری یافت نشد. این موضوع در ارتباط با هر سه مدل صادق است. بر اساس این نتایج می‌توان ادعا کرد، به‌طور کلی بین اظهار نظر مشروط حسابرس به‌دلایلی غیر از ابهام با اهمیت در تداوم فعالیت صاحبکار و میزان اقلام تعهدی اختیاری، ارتباط معناداری وجود ندارد. به‌گفته دیگر، میزان اقلام تعهدی اختیاری صاحبکار در شرایطی که ابهامی در ارتباط با تداوم فعالیت شرکت وجود نداشته با صدور اظهار مشروط حسابرس ارتباطی ندارد. بدین ترتیب فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌شود؛ به این معنا که چنانچه در تداوم فعالیت صاحبکار ابهامی وجود نداشته باشد، حسابرس به اقلام تعهدی اختیاری حساسیت کمتری نشان می‌دهد و از این رو انگیزه کمتری برای تعدیل گزارش خود دارد. دلیل این گفته را می‌توان این‌گونه توجیه کرد که در این حالت ریسک ذاتی در ارتباط با تداوم فعالیت و به‌تبع آن، اقامه دعای حقوقی و... متوجه حسابرس نیست. مطابق با جدول ۳، نسبت بدهی به سرمایه صاحبکار در سطح ۹۵ درصد اطمینان، ارتباط مستقیم معناداری با اظهار نظر مشروط به سایر دلایل دارد. در ضمن نسبت مجموع مطالبات و موجودی‌ها به دارایی‌های صاحبکار ارتباط معناداری با اظهار نظر مشروط حسابرس به سایر دلایل ندارد.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این پژوهش درصدد مطالعه ارتباط بین اظهار نظر مشروط حسابرس و مدیریت سود است. در این راستا، مدیریت سود از طریق برآورد اقلام تعهدی اختیاری با استفاده از سه مدل جونز، مدل جونز تعدیل‌شده و مدل کوتاری و همکاران اندازه‌گیری شده است. با توجه به نتایج متناقضی که مطالعات پیشین برجای گذاشته‌اند، اظهار نظر مشروط حسابرس در تحقیق حاضر به دو دسته ۱. مشروط به دلیل ابهام در مورد تداوم فعالیت شرکت و ۲. مشروط به دلیل سایر موارد، تقسیم شده است.

یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که بین اقلام تعهدی اختیاری و اظهار نظر مشروط حسابرس به دلیل ابهام با اهمیت در تداوم فعالیت صاحبکار، ارتباط مستقیم معناداری وجود دارد. این نتایج را می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که ابهام در مورد تداوم فعالیت شرکت صاحبکار، سبب افزایش ریسک ذاتی حسابرسی می‌شود؛ چراکه احتمال بحران مالی و اقامه دعای حقوقی در این موارد وجود دارد. بدین ترتیب حسابرس محافظه‌کارتر شده و احتمال صدور اظهار نظر مشروط (به دلیل ابهام در تداوم فعالیت) با افزایش اقلام تعهدی اختیاری، بیشتر می‌شود. بر این

اساس، حسابرس انگیزه بیشتری برای ارائه گزارش مشروط دارد و از این طریق تلاش می کند که اطلاعات مربوط به مدیریت سود شرکت صاحبکار را به استفاده کنندگان از صورت های مالی منتقل کند. این نتایج را می توان مطابق با دیدگاه محققانی چون کارسون و همکاران (۲۰۱۲) و (۲۰۱۳)، و روسنر (۲۰۰۳) دانست.

درمقابل، بر اساس یافته های پژوهش در فرضیه دوم، در صورت وجود نداشتن ابهام با اهمیت در ارتباط با تداوم فعالیت، ارقام تعهدی اختیاری با اظهار نظر مشروط حسابرس رابطه معناداری ندارند. این نتایج را می توان چنین تفسیر کرد که اگر حسابرس ابهام با اهمیتی در مورد تداوم فعالیت شرکت صاحبکار نداشته باشد، حساسیت کمتری از خود به ارقام تعهدی اختیاری نشان می دهد و بدین ترتیب بین افزایش ارقام تعهدی اختیاری و صدور گزارش مشروط به سایر دلایل (بجز ابهام در تداوم فعالیت) ارتباط معناداری نمی توان پیدا کرد. این یافته ها مطابق با یافته های محققانی چون باتلر و همکاران (۲۰۰۴) و تسیپوریدو و اسپاتیس (۲۰۱۴) بوده که به نتایج مشابهی دست یافته اند.

بر اساس یافته های دیگر این پژوهش، بین نسبت بدهی به سرمایه شرکت و اظهار نظر مشروط حسابرس (به دلایل دیگر بجز تردید در تداوم فعالیت)، ارتباط مستقیم معناداری وجود دارد. به بیان دیگر با افزایش نسبت بدهی به سرمایه صاحبکار که خود معیار اندازه گیری ریسک شرکت است، احتمال صدور گزارش مشروط به دلایل دیگر افزایش می یابد. این موضوع نیز مطابق با یافته های تسیپوریدو و اسپاتیس (۲۰۱۴) است.

## References

- Arnedo, L., Lizarraga, F. & Sanchez, S. (2008). Discretionary accruals and auditor behavior in code-law contexts: An application to failing Spanish firms. *European Accounting Review*, 17(4): 641-666.
- Audit organization (2014). Iranian Audit standards. Available at: [www.audit.org.ir](http://www.audit.org.ir).
- Banimahd, B., Hasasyegane, Y., Yazdanian, N. (2014). Earning management and audit opinion: evidence from private sector. *Management accounting*, 7 (2): 17-32. (in Persian)
- Bartov, E., Gul, F. A., & Tsui, J. S. L. (2001). Discretionary-accruals models and audit qualifications. *Journal of Accounting and Economics*, 30(3): 421-452.

- Bradshaw, M. T., Richardson, S. A. & Sloan, R. G. (2001). Do analysts and auditors use information in accruals? *Journal of Accounting Research*, 39(1): 45–74.
- Butler, M., Leone, A. J. & Willenborg, M. (2004). An empirical analysis of auditor reporting and its association with abnormal accruals. *Journal of Accounting and Economics*, 37(2): 139-165.
- Carson, E., Fargher, N., Geiger, M., Lennox, C., Raghunandan, K., & Willekens, M. (2013). Auditor reporting for going-concern uncertainty: A research synthesis. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 32 (Suppl. 1), 353–384.
- Carson, E., Fargher, N., Geiger, M., Lennox, C., Raghunandan, K. & Willekens, M. (2012). *Auditor reporting on going-concern uncertainty: A research synthesis*. Available at: <http://ssrn.com/abstract=2000496>. Accessed 25.04. 2012.
- Dechow, P. M., Sloan, R. G. & Sweeney, A. P. (1995). Detecting earnings management. *Accounting Review*, 70(2): 193–225.
- Dechow, P., Hutton, A., Kim, J., & Sloan, R. (2011). *Detecting earnings management: a new approach*. working paper, Available at: <http://www.ssrn.com>.
- Ferdinand Gul, A., Tsui, J.S.L. & Chen, Ch. J.P. (1998). *Agency costs and audit Pricing: evidence on discretionary accruals*. Available at: [www.ssrn.com](http://www.ssrn.com).
- Francis, J. R. & Krishnan, J. (1999). Accounting accruals and auditor reporting conservatism. *Contemporary Accounting Research*, 16(1): 135–165.
- Hasasyegane, Y., Bulu, Gh., Farrokhinejad, F. (2010). Relationship between discretionary accruals and audit report, *Audit science*, 10 (3): 6-20. (in Persian)
- Herbohn, K. & Raganathan, V. (2008). Auditor reporting and earnings management: Some additional evidence. *Accounting and Finance*, 48 (4): 575–601.
- Jameei, R., Halashi, M., Hajieidi, A. (2012). Investigation of effect of managers performance on audit opinion in companies listed in TSE. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 19 (4): 1-14. (in Persian)
- Jones, J. (1991). Earnings management during import relief investigations. *Journal of Accounting Research*, 29(2): 193–228.

- Kothari, S.P., Leone, A.J. & Wasley, C.E. (2005). Performance matched discretionary accruals measures. *Journal of Accounting and Economics*, 39(1): 163–197.
- Lam, K. C. K. & Mensah, Y. M. (2006). Auditors' decision-making undergoing-concern uncertainties in low litigation-risk environments: Evidence from Hong Kong. *Journal of Accounting and Public Policy*, 25 (2): 706–739.
- Muramiya, K. and Takada, T. (2010). Auditor conservatism, abnormal accruals, and going concern opinions. *Working paper*. Available at: [www.b.kobe-u.ac.jp](http://www.b.kobe-u.ac.jp).
- Tsipouridou, M. and Spathis, Ch. (2014). Audit opinion and earnings management: Evidence from Greece. *Accounting Forum* 38 (1): 38- 54.
- Wild, J.J., Bernstein, L.A. and Subramanyam, K.R. (2001). *Financial Statement Analysis*, 7<sup>th</sup> ed. New York McGraw – Hill Higher Education.

